

آیا افغانستان می تواند خود را تغذیه کند؟ کشاورزی، تجارت و امنیت غذایی تحت فشار

Can Afghanistan Feed Itself? Agriculture, trade and food security under pressure¹

سیستم غذایی افغانستان تحت فشار گسترده ای قرار دارد و محصولات داخلی این کشور نیز ناکافی و نامتوازن باقیمانده است، و مسیرهای تجارتي در سال های اخیر بارها تغییر کرده اند. بارندگی امسال به اندازه ای مناسب بوده و پیش بینی یک برداشت خوبی از محصولات گندم را ممکن ساخته است، اما این موضوع واقعیت ویرانگر دوامدار بحران اقلیمی و خشکسالی های پی هم را که این بحران ایجاد می کند، پنهان می سازد. افزایش جمعیت، بازگشت مهاجرین و کاهش توان خرید، آسیب پذیری ها را هم در مناطق روستایی و هم شهری عمیق تر ساخته است. در این گزارش، با گردآوری گزارش های مکانی درباره محصولات عمده شامل تولید، کمبودها و خطرات نشان می دهد که غذا در کجا تولید می شود، کمبودها در چه مناطقی در حال ظهور است و شوک های بیرونی از اختلالات تجارتي منطقه ای گرفته تا تغییرات اقلیمی چگونه بر تأمین غذایی کشور تأثیر می گذارند. همچنین برخی گزینه های عملی برای افزایش تولید را، با تمرکز ویژه بر آب و آبیاری، بررسی می کند.

¹ این گزارش توسط شبکه تحلیلگران افغانستان تهیه و در سایت این شبکه قرار گرفته است. شبکه تحلیلگران افغانستان (Afghanistan Analysts Network) یک سازمان غیرانتفاعی و مستقل تحقیقاتی و پالیسی گذاری است که در سال ۲۰۰۹ تأسیس شده است. هدف این شبکه گردآوری کارشناسان و تحلیلگران برای درک بهتر واقعیت های افغانستان و تأثیرگذاری بر پالیسی ها از طریق انتشار گزارش های عمیق و مقالات تحقیقی است.

اهداف و فعالیت ها:

- تحقیقات مستقل: ارائه تحلیل های باکیفیت و بی طرفانه در مورد سیاست، حکومت داری، حاکمیت قانون، حقوق بشر و امنیت افغانستان .
- جامعه هدف: تولیدات این شبکه برای اطلاع رسانی و استفاده سیاست گذاران، روزنامه نگاران، دانشگاهیان و فعالان توسعه، هم در داخل افغانستان و هم در سطح بین المللی کاربرد دارد .

ساختار و بودجه:

- دفتر مرکزی: این شبکه در آلمان و افغانستان (کابل) ثبت شده است و تیم اصلی آن در شهر کابل مستقر هستند .
- تأمین مالی: بودجه این سازمان عمدتاً توسط کشورهای اسکندیناوی (شمال اروپا) تأمین می شود.



افغانستان از سال های قبل ت در تولید غذای کافی جهت تأمین جمعیت مردمش با مشکل مواجه بوده است؛ چالشی که از مناطق کوهستانی، زمین های محدود برای کشت و فصل های خیلی متغیر بارندگی ناشی می شود تا تغییرات اقلیمی، این کشور را بدتر بسازد. افغانستان بین اواخر دهه ۱۹۴۰ و سال ۱۹۷۳ بیشترین نزدیکی را به خودکفایی گسترده غذایی داشت؛ دوره ای که پس از اجرای ده پروژه بزرگ آبرسانی و برنامه های مدیریت آب به وجود آمد و باعث رونق زراعت و تثبیت تولید در حوزه های مهم دریایی شد. این سیستم ها ۳۳۲,۸۰۰ هکتار زمین قابل آبرسانی را اضافه کردند و به دوره ای از امنیت نسبی غذایی در دهه ۱۹۶۰ کمک نمودند؛ زمانی که جمعیت افغانستان کمتر از ده میلیون نفر بود. این ثبات کوتاه با تحولات سیاسی و دهه ها جنگ پس از آن پایان یافت و افغانستان بار دیگر وابسته به واردات و آسیب پذیر در برابر شوک های اقلیمی شد. از آن زمان تاکنون، جمعیت این کشور براساس برآورد صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) در سال ۲۰۲۵ به ۴۳,۸ میلیون نفر رسیده است، بدون آن که توسعه منظم زمین های زراعتی صورت گرفته باشد. اقتصاد افغانستان با شکاف دائمی میان تولید داخلی و نیازهای جمعیت تعریف می شود. حتی در سال هایی که بارندگی خوب است، برداشت محصولات برای تأمین نیاز ملی تقریباً همه مواد غذایی اساسی به ویژه گندم و برنج کافی نیست. کشور با یک بحران چند بعدی غذایی مواجه است که ناشی از هم زمانی خشکسالی های چندساله، فروپاشی شدید اقتصادی پس از تحول سیاسی سال ۲۰۲۱، ممنوعیت کشت خشکخاش در سال ۲۰۲۲ و بازگشت اجباری ۵,۴ میلیون افغان از پاکستان و ایران. این فشارها توان خرید مردم را در مناطق روستایی و شهری تشدید بخشیده و میلیون ها افغان که حتی در شرایطی که بازارها از طریق واردات تأمین می شوند، توان خرید مواد غذایی اولیه ندارند. در همین حال، کاهش چشمگیر کمک های انسان دوستانه از سال ۲۰۲۲ این شکاف را گسترده تر کرده و یکی از مهم ترین شبکه های حمایتی برای میلیون ها خانواده آسیب پذیر را از میان برده است. برای درک عمق این شکنندگی، باید به ساختار اقتصاد غذایی افغانستان نگاه کرد. رژیم غذایی مردم افغانستان به شدت وابسته به غلات و گندم بخش عمده کالری روزانه است. این وضعیت باعث ایجاد شکاف گندم شده است؛ یعنی تفاوت میان تقاضای ملی (حدود ۶,۹ میلیون تُن متریکی) و متوسط تولید داخلی که به ندرت از ۴,۵ تا ۵ میلیون تُن فراتر می رود. تولید زراعتی در

مناطق مختلف کشور یکسان نیست. استان‌های شمالی و شمال‌شرقی دارای زمین‌های آبی نقش انبار غله ملی را دارند، در حالی که مناطق دیم‌زار غرب و ارتفاعات شمالی به‌طور مکرر در معرض شوک‌های اقلیمی، از جمله خشکسالی‌های پی‌درپی، قرار می‌گیرند.

براساس تازه‌ترین تحلیل طبقه‌بندی یکپارچه مراحل امنیت غذایی IPC، حدود ۱۷,۴ میلیون افغان در آخرین فصل کمبود غذایی از نوامبر ۲۰۲۵ تا مارس ۲۰۲۶ - با ناامنی غذایی مواجه بودند؛ از این میان، ۴,۷ میلیون نفر در مرحله چهارم IPC یا وضعیت اضطراری قرار داشتند. انتظار می‌رود تا سپتامبر، با برداشت محصولات، بهبود فصلی ایجاد شود؛ پیش‌بینی شده بود که تعداد افراد دچار ناامنی غذایی به ۱۳,۸ میلیون و افراد در سطح اضطراری به ۲,۹ میلیون نفر کاهش یابد و اکنون احتمال دارد این بهبود حتی بیشتر از پیش‌بینی‌ها باشد؛ همان‌گونه که در پیش‌بینی IPC برای آوریل تا سپتامبر ۲۰۲۶ نشان داده شده است. نخستین پیش‌بینی IPC در اکتبر ۲۰۲۵ و قبل از بارندگی‌های بهاری انجام شده بود. این بارندگی‌ها، همراه با ممنوعیت کشت خشخاش توسط امارت اسلامی افغانستان، کشاورزان خشخاش را به سوی کشت گندم سوق داده و ممکن است افغانستان را در آستانه ثبت یکی از بزرگ‌ترین برداشت‌های گندم چند دهه اخیر قرار دهد. نکته مهم این است که بارندگی‌ها به‌گونه غیرمعمول به‌خوبی توزیع شده‌اند و امیدواری برای برداشت قوی گندم را برای نخستین بار در چند سال اخیر افزایش داده‌اند. این باران‌ها برای کشاورزان سایر محصولات و دامداران نیز خبر خوبی است.

نشانه‌های اقلیمی همچنین به یک سال بالقوه مساعد در پیش رو اشاره دارند. انتظار می‌رود تغییر به سوی ال‌نینوی قوی در اقیانوس آرام باعث بارندگی زمستانی بالاتر از حد متوسط و دمای سردتر در افغانستان شود؛ وضعیتی که در صورت ادامه تا بهار ۲۰۲۷، می‌تواند سال دیگری با دسترسی مناسب به آب برای زراعت را فراهم کند. با این حال، این خبر خوب بر بستر محدودیت‌های ساختاری دیرینه، به‌ویژه تغییرات اقلیمی، قرار دارد؛ تغییری که هم‌اکنون باعث خشکسالی‌های شدیدتر و مکررتر شده است. این گزارش به یک پرسش اساسی می‌پردازد که آیا افغانستان می‌تواند خود را از نظر غذایی تأمین کند؟ این پرسش موضوع مهم دیگری را نیز مطرح می‌کند؛ یعنی امنیت غذایی، این‌که آیا همه خانواده‌های افغانستان، با وجود فقر گسترده، توان ضعیف خرید و دسترسی نابرابر به زمین و بازار، می‌توانند غذای کافی داشته باشند؟ همانند سایر کشورها، امنیت غذایی در افغانستان نیز تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌تری قرار دارد. از جمله این‌که چه کسی مالک زمین است، چه کسی به آب و سرمایه دسترسی دارد، چه کسانی تجارت و قیمت بازار را کنترل می‌کنند و چه روابط اجتماعی زیربنای زراعت و تجارت را تشکیل می‌دهد. فقط افزایش تولید ملی به معنای تضمین امنیت غذایی نیست بلکه این موضوع نقطه آغاز سود برای تحلیل نحوه عملکرد سیستم غذایی افغانستان است و تمرکز اصلی این مطالعه را تشکیل می‌دهد. پرسش دوم این است که آیا افغانستان باید برای خودکفایی بیشتر در تولید غذا تلاش کند یا همچنان به واردات مواد غذایی وابسته بماند؛ زیرا واردات نیز در برابر شوک‌های اقتصادی و سیاسی آسیب‌پذیر است. این گزارش ابتدا با ترسیم نقشه کمبود غذایی افغانستان آغاز می‌شود و توضیح می‌دهد که این کمبود چگونه اندازه‌گیری می‌شود. سپس سطح تولید داخلی و خطراتی را که کشاورزان با آن مواجه هستند بررسی می‌کند و بعد نگاهی دقیق به محصولات عمده و تولید گوشت می‌اندازد. همچنین رویکردهایی را که جمهوری اسلامی و امارت اسلامی برای افزایش تولید مواد غذایی اتخاذ کرده‌اند، مطالعه می‌کند. گزارش سپس به‌طور مختصر دو منبع دیگر تأمین غذا، واردات و کمک‌های غذایی انسان دوستانه را بررسی کرده و مشکلاتی را که هر دو با آن مواجه‌اند توضیح می‌دهد. در پایان، برخی اقدامات عملی برای افزایش تولید داخلی ارائه می‌شود. با توجه به اهمیت تاریخی آبیاری، و با استفاده از تخصص نویسنده در مدیریت آب، توجه ویژه‌ای به آب به‌عنوان عامل کلیدی در افزایش تولید ملی غذا در افغانستان شده است.

کمبود تولید مواد غذایی در افغانستان

کمبود غذایی افغانستان بیش از همه در مواد غذایی اساسی، به‌ویژه گندم و برنج، آشکار است؛ جایی که برداشت داخلی به‌طور مداوم کمتر از نیاز ملی است، حتی در سال‌هایی که بارندگی مناسب وجود دارد. گندم و برنج بیشترین کمبود را نشان می‌دهند، در حالی که میوه تنها بخشی است که مازاد تولید دارد. جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از برآورد تقاضا و کمبود محصولات عمده غله را بر اساس گزارش‌های سالانه وزارت زراعت برای سال‌های ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ ارائه می‌کند. وزارت زراعت، آبیاری و مالداري (MAIL) همچنان گزارش‌های جداگانه‌ای درباره گندم و برنج، از جمله گزارش‌های سال ۲۰۲۵، منتشر می‌کند.

مورد/سال	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵
گندم	۶,۲۰۰	۶,۴۹۶	۶,۳۶۲	۶,۴۰۲	۶,۶۲۱	۶,۸۲۲	۶,۸۷۰
کسری	۲۲,۶ درصد	۲۰,۳۰	۳۶,۸	۴۰,۶	۳۴,۳	۲۹,۲	۳۳,۹
برنج	۵۸۸	۶۰۵	۶۶۵	۶۷۵	۶۸۸	۷۰۵	۷۲۰
کسری	۳۴,۹	۲۷,۳	۳۷,۳	۴۱,۲	۴۱,۹	۳۷,۹	۳۷,۹
ذرت	۲۲۶	۳۰۳	۲۹۸	۳۳۷	۳۳۷	۳۹۶	*
کسری	۱۸,۱	۱۰,۲	۱۱,۴	۷,۷	۳,۷	۲,۸	*
جو	۱۵۲	۱۵۷	۹۶	۱۲۶	۱۲۳	۲۱۶	*
کسری	۱۸,۴	۱۸,۵	۳۲,۳	۲۴,۶	۲۶,۸	۱۲	*

جدول ۱: تقاضا برای محصولات کشاورزی در افغانستان (۱۰۰۰ متریک تن). منبع: گزارش‌های سالانه وزارت کشاورزی و دامداری

تولید داخلی چگونه اندازه‌گیری شد؟

ترسیم نقشه بخش پیچیده زراعت افغانستان یا سیستم چندلایه غذایی آن کار بسیار دشواری است. این تحلیل بر مواد غذایی اساسی تمرکز دارد که ستون اصلی رژیم غذایی افغان‌ها را تشکیل می‌دهند و در اصطلاح محلی دسترخوان نامیده می‌شوند: گندم و آرد، برنج، جواری، حبوبات، گوشت، ماهی، روغن خوراکی، میوه و سبزی‌ها، این تحلیل بر اساس گزارش‌های سالانه زراعت که توسط وزارت زراعت، آبرسانی و دامداری افغانستان MAIL منتشر می‌شود و کتاب سال آمار تجارت اداره ملی احصائیه و معلومات NSIA که گزارش‌های رسمی واردات و صادرات را منتشر می‌کند و همچنان آمار وزارت زراعت ایالات متحده آمریکا USDA استوار است.

تولید داخلی: سطح و روندها

در حالیکه جدول شماره ۱ میزان کمبود ملی را نشان می‌دهد، جدول شماره ۲ سطح تولید داخلی را براساس گزارش‌های وزارت زراعت برای سال‌های ۲۰۲۱، ۲۰۲۲، ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ ارائه می‌کند. بخش عمده تفاوت‌ها ناشی از وضعیت آب‌وهوا است: سال ۲۰۱۹ یک سال پُرباران با بارندگی بالاتر از حد متوسط بود؛ سال ۲۰۲۰ تقریباً عادی بود؛ و سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ تحت تأثیر خشکسالی قرار داشتند. علاوه بر این، ممنوعیت کشت خشخاش در سال ۲۰۲۲ نیز بر تولید گندم در سال‌های بعد اثر گذاشت.

مورد/سال	۲۰۲۵	۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۲	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹
گندم	۴,۵۴۰	۴,۸۲۷	۴,۳۵۱	۳,۸۰۲	۴,۰۱۸	۵,۱۸۰	۴,۸۹۰
برنج	۴۴۷	۴۳۸	۴۰۰	۳۹۷	۴۱۷	۴۴۰	۳۸۳
ذرت	-	۳۸۵	۳۶۳	۳۱۱	۲۶۴	۲۷۲	۱۸۵
جو	-	۱۹۰	۹۰	۹۵	۶۵	۱۲۸	۱۲۴
کچالو*	-	۸۵۶	۸۸۴	۸۸۹	۸۷۹	۸۵۵	۹۲۱
پیاز*	-	۶۳۷	۵۸۶	۵۴۱	۵۳۳	۳۱۱	۳۵۳

جدول ۲: خلاصه‌ای از محصولات کشاورزی در افغانستان (۱۰۰۰ تن متریک). هیچ داده‌ای برای تقاضا برای سیب‌زمینی و پیاز وجود ندارد، اگرچه ارقام تولید وجود دارد. منبع: گزارش‌های سالانه وزارت کشاورزی افغانستان. این الگوهای تولید را نمی‌توان به صورت جداگانه درک کرد، زیرا تحت تأثیر طیف وسیعی از خطرات ساختاری و اقلیمی قرار دارند.

خطرات تهدیدکننده امنیت غذایی

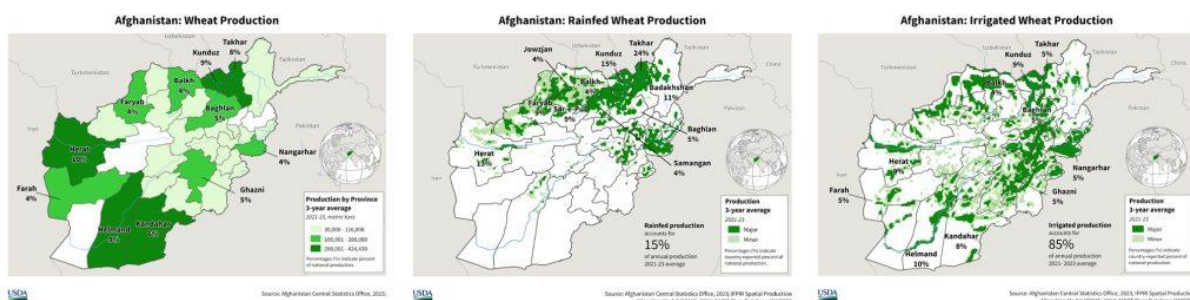
سیستم غذایی افغانستان با طیف گسترده‌ای از خطرات هم‌پوشان مواجه است؛ از شوک‌های اقلیمی گرفته تا آسیب‌پذیری‌های اجتماعی، اقتصادی که هم بر تولید و هم بر دسترسی به غذا تأثیر می‌گذارد. خشکسالی همچنان مهم‌ترین فشار، به‌ویژه در مناطق دیم‌زار، محسوب می‌شود، اما شوک‌های دیگر نیز نقش دارند. کشت میوه نسبت به غلات و دامداری بهتر ثابت شده است. با این حال، سیل‌های بهاری و سیل‌های ناگهانی به‌طور منظم زمین‌های زراعتی، باغ‌ها و زیرساخت‌های شبکه‌های آب رسانی را تخریب می‌سازد. هرچند تأثیر آن‌ها در سطح ملی ممکن است محدود باشد، اما می‌توانند ذخیره غذایی سالانه یک خانواده یا حتی یک روستا را کاملاً نابود سازد. بخش دامداری که وابستگی زیادی به چراگاه‌ها است، به شدت از تغییرات اقلیمی آسیب می‌بیند و کاهش علوفه و شیوع دوره‌های بیماری‌ها دامداران را مجبور به فروش اضطراری دام‌ها می‌سازد. تعداد رمه‌ها کاهش یافته، به‌ویژه در استان‌های دیم‌زار مانند بادغیس، غور، فاریاب و بخش‌هایی از جنوب کشور. موج‌های سرمای شدید و زمستان‌های سردتر از حد معمول نیز باعث تلفات دام‌ها می‌شود. برای نمونه، طبق گزارش سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO)، بین دسامبر ۲۰۲۲ تا ژانویه ۲۰۲۳ در استان غور بین ۷۰ هزار تا ۲۰۰ هزار رأس دام تلف شده‌اند. هجوم ملخ‌ها، به‌ویژه در سال‌های خشکسالی که نابودی چراگاه‌های دیم شرایط مناسب برای تکثیر آن‌ها را ایجاد می‌کند، در گذشته عمده‌تأ استان‌های شمالی را تحت تأثیر قرار داده، اما می‌تواند به مناطق آبی نیز گسترش یابد.

در همین حال، بازگشت ۵,۴ میلیون افغان از پاکستان و ایران از سال ۲۰۲۳ تاکنون، همراه با نرخ بالای تولد، باعث شده رشد جمعیت همچنان از تولید مواد غذایی پیشی بگیرد. پس از فروپاشی اقتصادی در سال ۲۰۲۱، درآمد خانواده‌ها و قدرت خرید در مناطق روستایی و شهری کاهش یافت و توانایی میلیون‌ها خانواده افغان برای خرید مواد غذایی کمتر شد، حتی زمانی که بازارها به‌خوبی تأمین بودند. مشکلات تجاری، از جمله بسته‌شدن مرزها با پاکستان و افزایش جهانی قیمت‌ها که به جنگ‌های اوکراین و خاورمیانه مرتبط است، هزینه واردات مواد غذایی را بیشتر افزایش داده است. در مجموع، این فشارها اقتصادی غذایی ایجاد کرده‌اند که به‌طور مزمین تحت فشار است، از نظر ساختاری وابسته به واردات می‌باشد و نسبت به شوک‌های اقلیمی و بازاری بسیار حساس است.

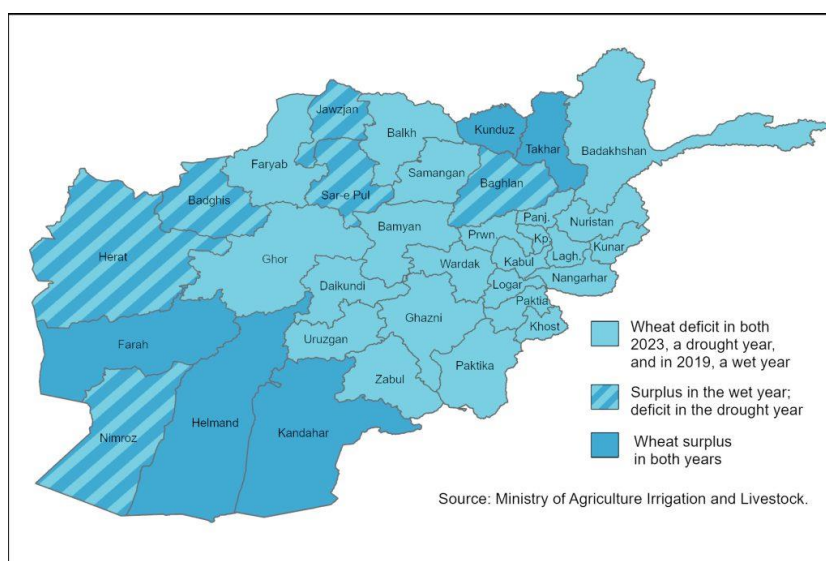
تولید داخلی بر اساس محصولات زراعتی

این فشارهای اقلیمی و ساختاری، تولید زراعتی را در محصولات و مناطق مختلف به شیوه‌های متفاوت شکل می‌دهند. بخش‌های بعدی محصولات عمده افغانستان و تولید گوشت را با تمرکز بر برداشت، کمبودها، توزیع منطقه‌ای و فصل‌بندی بررسی می‌کنند.

گندم: گندم ستون اصلی تأمین غذایی ملی افغانستان است و هم از نظر زمین‌های زیر کشت و هم از نظر تأمین کالری، جایگاه ویژه‌ای دارد. برداشت گندم از ماه خرداد تا شهریور انجام می‌شود و دوره کمبود غذایی از بهمن تا اردیبهشت ادامه دارد. گندم در همه استان‌ها کشت می‌شود، اما تولید آن نامتوازن است و تحت تأثیر جغرافیا و دسترسی به آب قرار دارد. بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ (۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴)، برداشت سالانه بین ۳٫۸ تا ۵٫۱ میلیون تُن در نوسان بوده است. در فصل ۲۰۲۵ (۱۴۰۴)، ۴٫۵۴ میلیون تُن گندم برداشت شد؛ کاهش‌ی که تقریباً به‌طور کامل ناشی از سقوط تولید گندم دیم به دلیل خشکسالی بود. در حالی که جغرافیای تولید تغییر نکرده و برداشت گندم در استان‌هایی، قندز، تخار، بغلان، هلمند، قندهار و فراه نسبتاً ثابت مانده است، برداشت گندم دیم - به‌ویژه در بادغیس، فاریاب، جوزجان، بغلان و بخش‌هایی از تخار - از خشکسالی و بارندگی نامنظم آسیب دیده است.

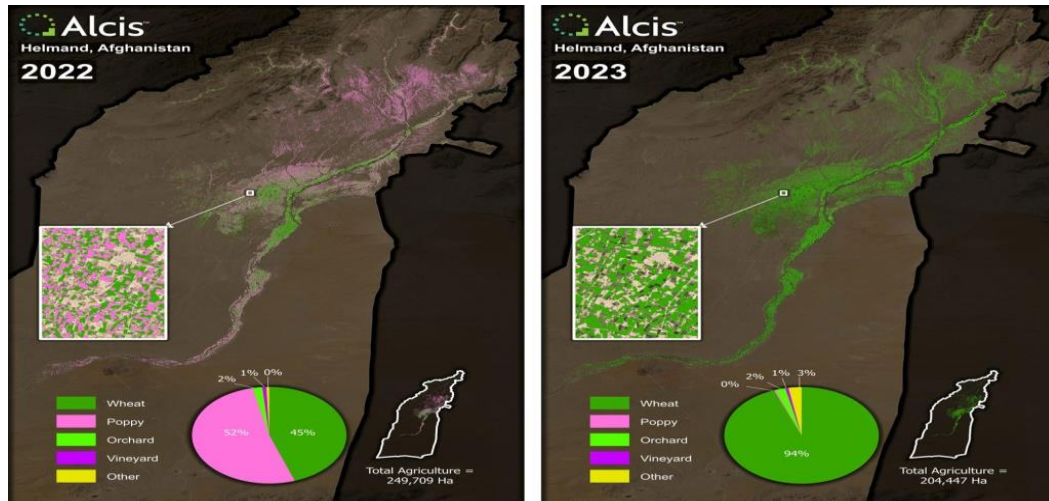


شکل ۱: تولید گندم به تفکیک استان، دیم و آبی (میانگین ۲۰۲۱-۲۰۲۳). منبع: وزارت کشاورزی ایالات متحده (USDA) در سال‌های پر ابرار، استان‌های بیسری گندم نوید می‌سند، در حالی که استان‌های دیگر، از جمله نابل، دایبندی، بامیان، نورستان و پنجشیر، همچنان با کسری مواجه هستند شکل ۲ را ببینید.



شکل ۲: تخمین‌های وزارت کشاورزی، آبرسانی و دامداری از تولید مازاد و کسری گندم در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۳ به ازای هر استان، نقشه از ROGER HELMS برای شبکه تحلیلگران افغانستان

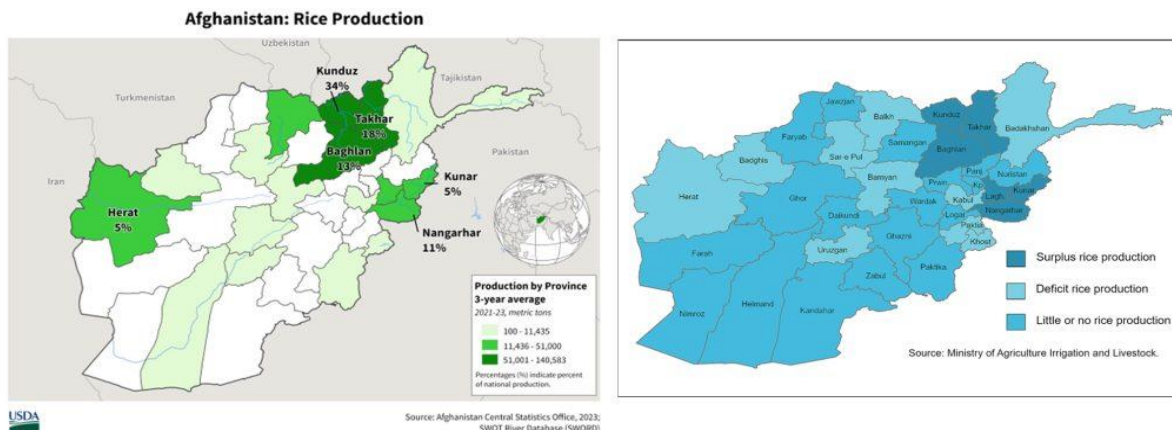
علاوه بر تأثیر خشکسالی، شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که ممنوعیت کشت خشخاش در سال ۲۰۲۲ چگونه تولید گندم را تغییر داده است: تا سال ۲۰۲۳، بیشتر زمین‌های خشخاش به کشت گندم تبدیل شده و با وجود ادامه خشکسالی، میزان برداشت افزایش یافت؛ به‌ویژه در هلمند، که بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک در افغانستان بوده است جایی که بر اساس برآوردهای Alcis، حدود ۹۸ درصد زمین‌هایی که قبلاً زیر کشت خشخاش بود حالا به گندم تبدیل شده است.



برنج شکل ۳: گذار از کشت خشخاش به گندم در استان هلمند، قبل و بعد از ممنوعیت. منبع: Alcis

برنج پس از گندم دومین ماده غذایی اساسی مهم به شمار می‌رود و تولید آن نسبتاً ثابت بوده و بین ۳۸۳ هزار تا ۴۴۷ هزار تُن در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ نوسان داشته است. کشت برنج عمدتاً در استان‌های قندز، تخار، بغلان، ننگرهار و لغمان متمرکز است. این استان‌ها در مجموع بخش عمده تولید ملی را تشکیل می‌دهند، در حالیکه استان‌هایی مانند سرپل، بامیان و ارزگان سهم بسیار ناچیزی دارند (شکل شماره ۴). برنج تقریباً به‌طور کامل وابسته به آبیاری است و همین موضوع آن را در برابر کمبود آب بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد. برداشت آن معمولاً از اکتبر (مهر) تا نوامبر (آبان) انجام می‌شود و کمبودها بیشتر در اوایل بهار و تابستان آشکار می‌گردد.

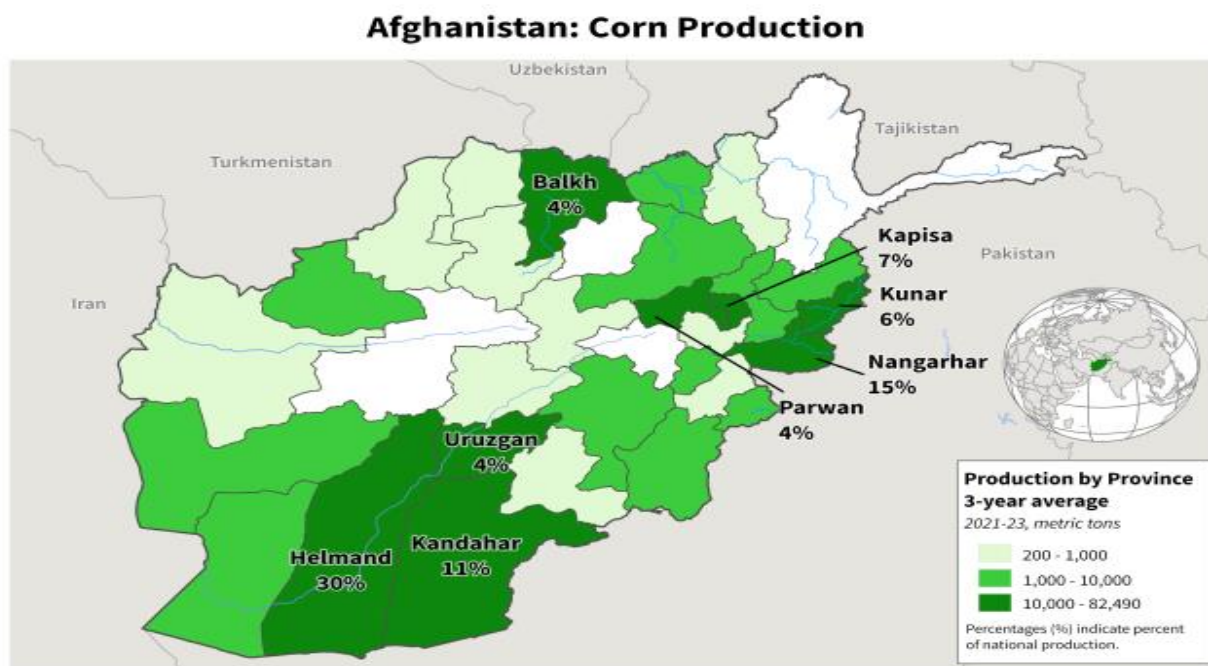
هر دو نقشه ذیل، نقشه وزارت زراعت آمریکا (USDA) در سمت چپ و نقشه وزارت زراعت افغانستان (MAIL) در سمت راست.



شکل ۴: توزیع برداشت برنج در سراسر افغانستان. نقشه سمت چپ تخمین‌های وزارت کشاورزی ایالات متحده و نقشه سمت راست تخمین‌های وزارت کشاورزی و آب را نشان می‌دهد. نقشه سمت راست توسط راجر هلمز برای AAN تهیه شده است.

ذرت (Maize)

ذرت در افغانستان به گونه گسترده کشت می شود و بیشتر به عنوان خوراک دام استفاده می گردد. تولید ملی آن در سال های اخیر میان ۱۸۵ هزار تا ۳۸۵ هزار تُن در نوسان بوده است. استان های هلمند، قندهار، بلخ، ننگرهار، کنر و کاپیسا از تولیدکنندگان اصلی محسوب می شوند، در حالی که استان های مرتفع شمالی مانند سرپل، جوزجان و فاریاب نیز سهم اندکی



Source: Afghanistan Central Statistics Office, 2023;
SWOT River Database (SWORD)

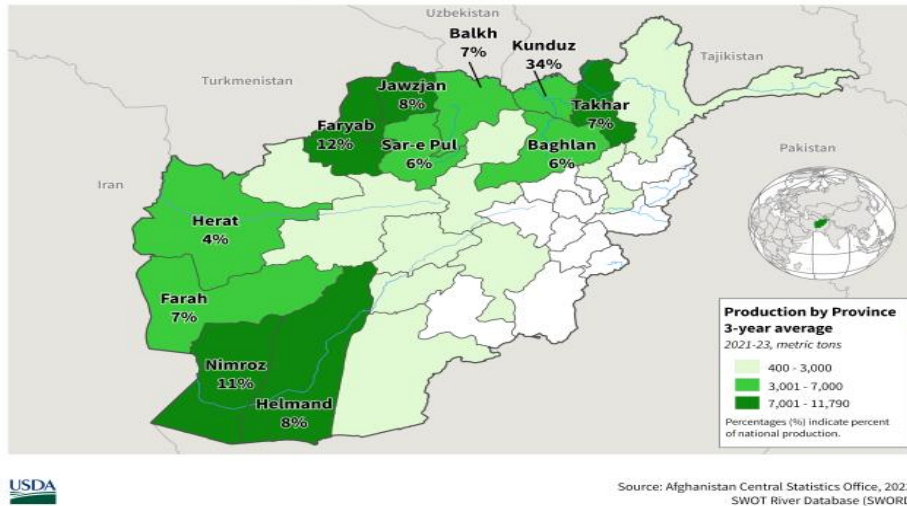
دارند. از آن جا که ذرت معمولاً پس از برداشت گندم کشت می شود، وابستگی زیادی به رطوبت باقی مانده خاک و دسترسی به آبیاری دارد. بیشترین عرضه فصلی آن در ماه های اسد و سنبله است، اما کمبود ذرت بیشتر بر خوراک دام و تولید مرغداری تأثیر می گذارد تا امنیت غذایی خانواده ها.

شکل ۵: تولید ذرت در افغانستان. منبع: وزارت کشاورزی ایالات متحده

جو (Barley)

جو معمولاً در همان مناطق اقلیمی گندم للمی کشت می شود؛ بنابراین در برابر خشکسالی آسیب پذیری مشابهی دارد. تولید آن از سالی به سال دیگر تغییر می کند؛ به گونه ای که از ۶۵ هزار تُن در سال ۲۰۲۱ تا ۱۹۰ هزار تُن در سال ۲۰۲۴ متغیر بوده است. این نوسان نشان دهنده تمرکز آن در مناطق خشک و وابستگی شدید به میزان رطوبت است. در استان هایی مانند بادغیس، فاریاب، جوزجان و بخش هایی از غور، در سال های خشک میزان حاصل به شدت کاهش می یابد. جو نقش مهمی در تثبیت مصرف خانوار و خوراک دام دارد، به ویژه زمانی که تولید گندم کاهش پیدا می کند. برداشت ضعیف جو پیامدهای زنجیره ای دارد؛ زیرا کمبود خوراک حیوانات فشار بیشتری بر رمه های ضعیف وارد می کند، مخصوصاً در مناطقی که چراگاه ها تخریب شده اند. پراکندگی جغرافیایی جو نشان می دهد که بیشترین تمرکز آن در کمربندهای للمی شمال و غرب افغانستان قرار دارد.

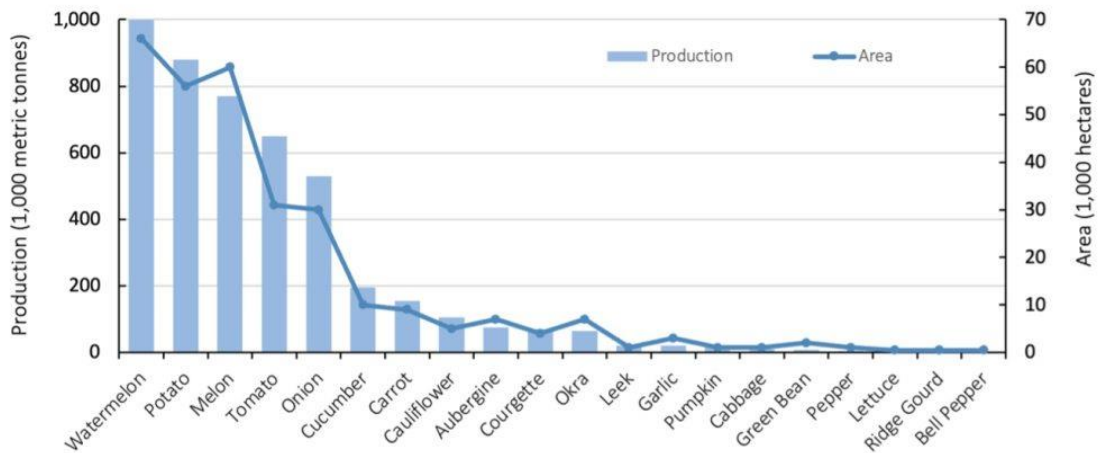
Afghanistan: Barley Production



شکل ۶: تولید ذرت در افغانستان. منبع: وزارت کشاورزی ایالات متحده سبزیجات، سیب زمینی و پیاز

سیب زمینی و پیاز از مهم‌ترین سبزیجات اساسی افغانستان‌اند که هم برای مصرف خانوار و هم برای فروش در بازار تولید می‌شوند. این محصولات به دلیل قابلیت ذخیره‌سازی، در پر کردن فاصله کمبود مواد غذایی در فصل دشوار سال از بهمن تا اردیبهشت اهمیت زیادی دارند، زمانی که محصولات تازه کمتر در دسترس است. تولید سیب زمینی بیشتر در استان‌های مرتفع و سردسیر مانند بامیان (مرکز اصلی تولید سیب زمینی)، دایکندی، غزنی و بخش‌هایی از میدان وردک متمرکز است. اقلیم این مناطق برای رشد غده‌های سیب زمینی مناسب بوده و حاصل‌دهی بلند آن باعث شده برای جوامع کوهستانی با زمین محدود، محصولی ارزشمند باشد.

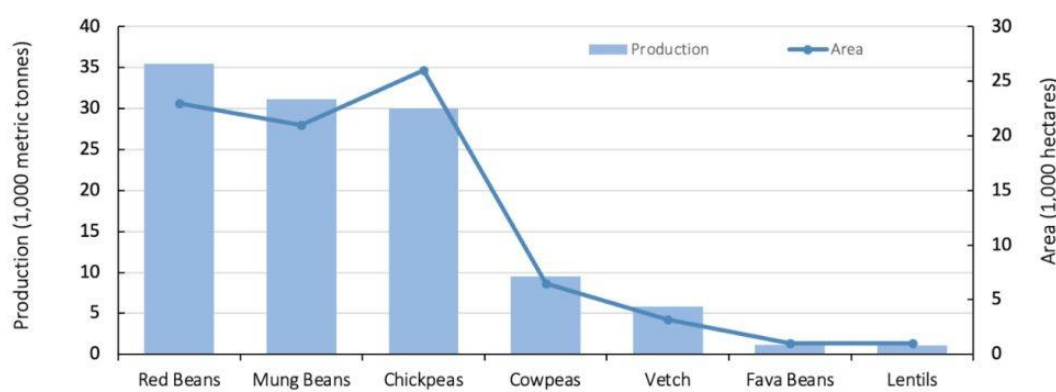
کشت پیاز گسترده‌تر است، اما شدیداً به آبیاری وابسته می‌باشد. قندهار، ننگرهار، بلخ و کندز از تولیدکنندگان عمده‌اند و علاوه بر بازار داخلی، به پاکستان و هند نیز صادرات دارند. قیمت پیاز در فصل برداشت (اسد تا میزان) کاهش یافته و در زمستان و اوایل بهار به دلیل ضایعات ذخیره‌سازی افزایش می‌یابد. کمبود سردخانه همچنان سبب ضایعات پس از برداشت، کاهش درآمد کشاورزان و بی‌ثباتی قیمت‌ها می‌شود.



شکل ۷: سطح زیر کشت آبی و برداشت سبزیجات در افغانستان، ۲۰۲۱. منبع: وزارت کشاورزی

حبوبات (Legumes)

حبوبات شامل نخود، عدس و ماش، بخش کوچکی از زراعت افغانستان را تشکیل می‌دهند، اما از نگاه تغذیه‌ای اهمیت بالایی دارند. سهم آن‌ها در تأمین کالری ملی نسبتاً اندک است. میزان حاصل‌دهی بسته به نوع محصول، شرایط اقلیمی، آفات و وسعت زمین زیر کشت متفاوت است. تولید عمدتاً در استان‌های بلخ، بغلان، قندز، هرات و فاریاب متمرکز بوده و در مناطق مرتفع مرکزی نیز در مقیاس کوچک برای مصرف محلی کشت می‌شود. حبوبات معمولاً از تیر تا شهریور برداشت می‌شوند و عرضه آن‌ها در بازار در اوایل پاییز بهتر می‌شود. با وجود اهمیت غذایی، نقش آن‌ها در امنیت غذایی ملی محدود است، زیرا زمین زیر کشت کم بوده و صنایع بزرگ فرآوری نیز وجود ندارد.



شکل ۸: سطح زیر کشت آبی و تولید حبوبات در افغانستان، ۲۰۲۱. منبع: وزارت کشاورزی افغانستان،

دانه‌های روغنی (Oilseeds)

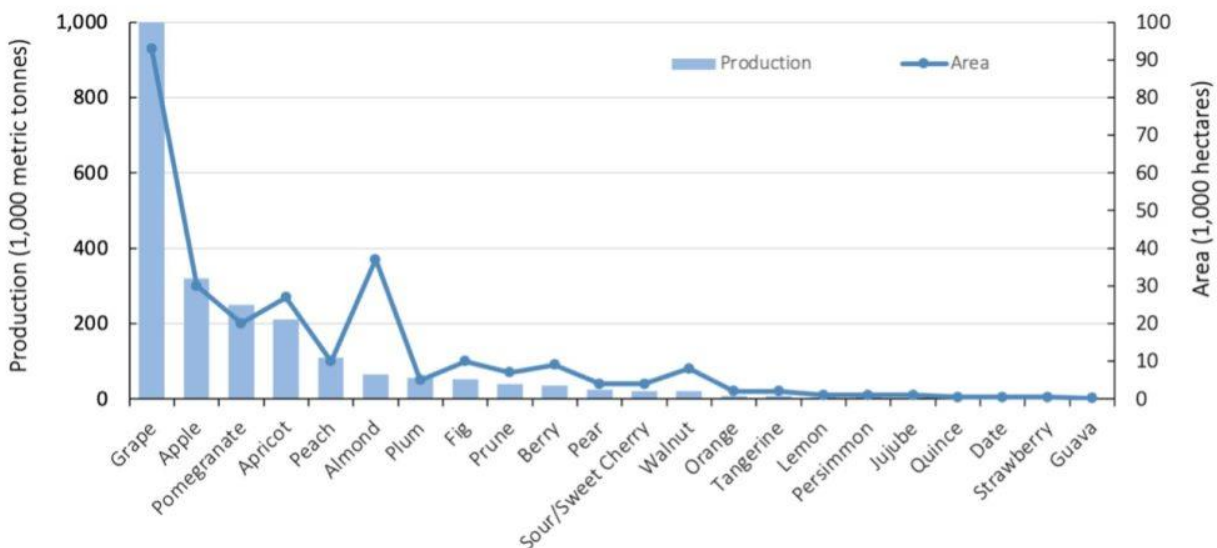
کشت دانه‌های روغنی در مناطق آبی شمال، شمال شرق و جنوب پراکنده است. کنگد بیشتر در ننگرهار و بخش‌هایی از شمال، گل‌آفتاب‌پرست در بلخ، قندز و جوزجان و پنبه‌دانه در قندهار، هلمند، بغلان، قندز و بلخ تولید می‌شود. برای نسل‌ها، خانواده‌ها از روغن حیوانی یا روغن استخراج‌شده از دانه‌های روغنی محلی استفاده می‌کردند. هرچند این روش‌ها هنوز در برخی مناطق روستایی ادامه دارد، اما امروزه بیشتر روغن خوراکی وارداتی است. تولید داخلی از گل‌آفتاب‌پرست، کنگد، پنبه‌دانه و مقدار اندکی گلرنگ، بسیار کمتر از نیاز کشور است؛ به همین دلیل روغن خوراکی یکی از وابسته‌ترین بخش‌های رژیم غذایی افغانستان به واردات محسوب می‌شود. ظرفیت فرآوری نیز محدود است. شمار کمی از کارخانه‌های محلی، به‌ویژه در استان‌های شمالی، روغن تولید می‌کنند. با این حال، تلویزیون طلوع‌نیوز اخیراً از یک کارخانه مدرن در قندهار با ظرفیت تولید روزانه ۲۰۰ تن [گزارش](#) داده است.

میوه‌ها (Fruits)

میوه‌ها منبع مهم درآمد روستایی‌اند و برخلاف غلات، تولید آن‌ها معمولاً بیشتر از نیاز داخلی است؛ بنابراین یکی از پایه‌های اصلی صادرات افغانستان به‌شمار می‌روند. محصولات عمده شامل انگور، زردآلو، بادام، سیب و انار می‌باشند که در مناطق مختلف اقلیمی تولید می‌شوند. انگور بیشترین سهم تولید میوه را دارد و استان‌های قندهار، هلمند، هرات، بلخ و سمنگان مراکز اصلی آن هستند. وجود تاکستان‌های قدیمی و کارخانه‌های کشمش‌سازی از این صنعت حمایت می‌کند. زردآلو به‌ویژه در استان‌های شمالی و مناطق مرتفع مرکزی تولید فراوان دارد و به‌صورت تازه و خشک‌شده برای درآمد خانواده‌ها و صادرات اهمیت دارد. **بادام**، که در قندهار، ارزگان، زابل و سمنگان برداشت خوبی دارد، از باارزش‌ترین محصولات باغداری صادراتی افغانستان است. تولید سیب بیشتر در استان‌های سردسیر مانند میدان وردک، غزنی، بامیان، پکتیا و لوگر متمرکز است. **انار** در قندهار، هلمند، فراه و کاپیسا تولید گسترده دارد و با وجود کمبود آب، همچنان محصول مهم صادراتی محسوب می‌شود. انجیر، هلو، توت و گردو نیز سهم کمتری دارند، اما برای مصرف محلی و تجارت کوچک اهمیت دارند.

خربوزه و هندوانه

خربوزه و هندوانه از پرمصرف‌ترین محصولات فصلی افغانستان‌اند که استان‌های فراه، هلمند، بلخ، قندز، بغلان و ننگرهار از تولیدکنندگان اصلی هستند و بازارها را از تیر تا شهریور تأمین می‌کنند. هندوانه هم در زمین‌های للمی و هم آبی کشت می‌شود، بنابراین از خشکسالی تأثیر می‌پذیرد. خربوزه‌های افغانستان، به‌ویژه انواع قندزی و مزاری، به‌خاطر شیرینی و قابلیت نگهداری مشهورند. با وجود ثبات نسبی تولید میوه، کمبود امکانات ذخیره‌سازی و مشکلات آب بر کیفیت و دسترسی بازار تأثیر منفی می‌گذارد.



شکل ۹: مناطق آبیاری شده و میزان تولید میوه در افغانستان، ۲۰۲۱. منبع: وزارت کشاورزی افغانستان

گوشت (Meat)

هرچند وزارت زراعت افغانستان گاه‌گاهی گزارش‌هایی درباره دامداری منتشر می‌کند، اما تنها گزارش سالانه قابل دسترس برای نویسنده مربوط به سال ۲۰۲۰ بود که آمار استان‌بهاستان حیوانات مختلف مانند گوسفند، بز، گاو، اسب، مرغ و سایر طیور را ارائه کرده بود. به دلیل نبود گزارش‌دهی منظم، آمار تولید گوشت، مرغ و ماهی اغلب از طریق اعلامیه‌ها یا رسانه‌ها منتشر می‌شود. برای نمونه، افغانستان در سال ۲۰۲۱ حدود ۱،۵ میلیون تُن گوشت گاو و گوسفند تولید کرده بود و در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۰ هزار فارم مرغداری کشور روزانه ۱۷۰۰ تُن گوشت مرغ تولید می‌کردند.

پرورش ماهی نیز در حال گسترش است و بیش از ۲۶۰۰ مزرعه فعال در استان‌هایی مانند ننگرهار، قندز، بلخ و هرات فعالیت دارند. با این حال، مصرف ماهی هنوز سهم کوچکی در رژیم غذایی مردم دارد و تولید آن کمتر از تقاضاست؛ به خصوص در زمستان که نیاز افزایش می‌یابد. عرضه گوشت بسیار فصلی است. خشکسالی و تخریب چراگاه‌ها مقاومت رمه‌ها را کاهش می‌دهد و باعث نوسانات سالانه می‌شود. در زمستان نیز به دلیل کمبود علوفه، عرضه کمتر و قیمت‌ها بالاتر می‌رود. نقشه کمبودهای غذایی افغانستان به وضوح نشان می‌دهد که این کشور هنوز توان تأمین کامل غذای خود را ندارد. با این حال، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ظرفیت بهبود وضعیت وجود دارد یا خیر؟ بخش بعدی به اقدام‌های حکومت طی ۲۵ سال گذشته برای افزایش توانایی افغانستان در تولید مواد غذایی مورد نیاز خود می‌پردازد.

اقدامات حکومت: واکنش حکومت‌ها به چالش‌های امنیت غذایی افغانستان در طول زمان تغییر کرده و بازتاب‌دهنده دگرگونی نظام‌های سیاسی، ظرفیت‌های نهادی و میزان حمایت خارجی بوده است. بخش‌های زیر بررسی می‌کند که چگونه حکومت‌های مختلف تلاش کرده‌اند امنیت غذایی افغانستان را افزایش دهند.

در دوره جمهوری: در دوره نسبتاً باثبات جمهوری (۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱)، حکومت مجموعه‌ای از راهبردها را برای بهبود تولید مواد غذایی، تغذیه و مقاومت زراعتی معرفی کرد، اما نتوانست کمبودهای غذایی کشور را برطرف سازد. بیشتر این برنامه‌ها مربوط به دوره حکومت‌های اشرف غنی بود؛ از جمله: **استراتژی توسعه سکتور گندم، برنامه ملی اولویت‌دار توسعه جامع زراعت (NCADPP): استراتژی امنیت غذایی و تغذیه، استراتژی مدیریت خطر خشکسالی افغانستان، نقشه راه سرمایه‌گذاری ملی آبیاری ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰،** همچنین تلاش‌هایی برای اصلاح وزارت زراعت و تبدیل آن به نهادی غیرمتمرکز و وابسته بر کشاورزان انجام شد.

این راهبردها با کمک پروژه‌های بزرگ تمویل‌شده توسط کمک‌کنندگان خارجی حمایت می‌شدند، از جمله: پروژه مدیریت آب در مزرعه، پروژه تأمین نهاده‌های زراعتی افغانستان (AAIP) با حمایت بانک جهانی، پروژه دامداری و زراعت اجتماعی (CLAP) با حمایت صندوق بین‌المللی توسعه زراعت (IFAD) پروژه سازگاری با تغییرات اقلیمی (CCAP) برنامه زراعت و توسعه ای روستایی مبتنی بر جامعه (CBARD) با حمایت صندوق جهانی محیط زیست (GEF) اتحادیه اروپا و بانک توسعه آسیایی نیز چندین پروژه مدیریت حوزه‌های آبی و آبیاری را در حوزه‌های دریایی قندز، آمو و پنج پشتیبانی کردند.

پروژه‌های زیربنایی آب

وزارت‌های انرژی و آب و زراعت در دوره جمهوری چندین پروژه بزرگ آبی را آغاز کردند، از جمله: سد کمال‌خان در نیمروز، سد شاه و عروس در کابل، سد پاشدان در هرات، شبکه‌های زمین‌داور و موسی‌قلعه در هلمند، تونل‌های انحرافی سد بخش‌آباد در فراه، سد کامه در ننگرهار، کانال شاهی در لغمان، کانال قوش‌تپه در بلخ، باوجود این، پیشرفت پروژه‌ها متفاوت بود و پیش

از سال ۲۰۲۱ تنها سد کمال خان تقریباً تکمیل شد. برخی پروژه‌ها بعداً توسط امارت اسلامی ادامه یافته و حتی تکمیل شدند. هرچند این پروژه‌ها ظرفیت بهبود مدیریت آب را دارند، اما تأثیر عملی آن‌ها در گسترش زمین‌های قابل کشت تاکنون محدود بوده است.

برنامه امنیت غذایی و تغذیه افغانستان

برنامه موضع امنیت غذایی و تغذیه افغانستان (AFSeN-A) که در سال ۲۰۱۷ راه‌اندازی شد، هدف داشت چارچوبی چندبخشی برای مقابله با گرسنگی و سوءتغذیه ایجاد کند. تأثیر عملی آن محدود بود و بیشتر باعث همسویی افغانستان با اهداف توسعه پایدار سازمان ملل شد؛ به‌ویژه: **هدف دوم:** محو گرسنگی، هدف هفدهم: مشارکت‌ها و همکاری‌ها، این برنامه پس از سقوط جمهوری عملاً متوقف شد، اما هنوز هم بر سیستم‌های گزارش‌دهی حکومت و برنامه‌های سازمان ملل اثر دارد.

ناکامی در افزایش تولید

با وجود تمام این برنامه‌ها، کمک‌های فنی و بودجه‌های خارجی، در دوران جمهوری افزایش قابل توجهی در تولید مواد غذایی به‌وجود نیامد؛ مشکلی که تقریباً در همه بخش‌های اقتصاد و حکومت افغانستان مشاهده می‌شد.

در دوره امارت اسلامی

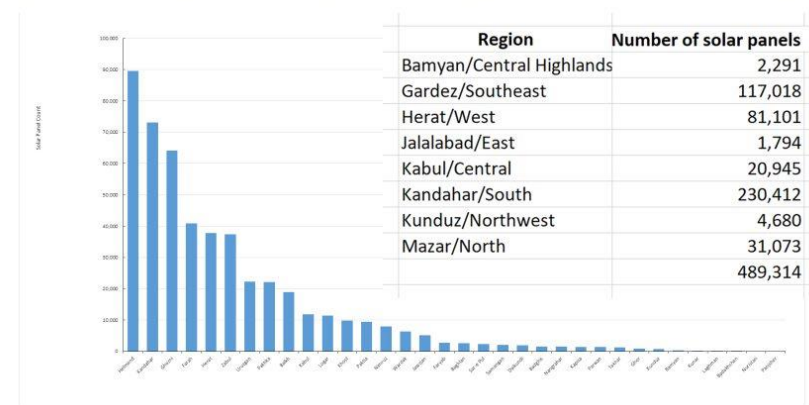
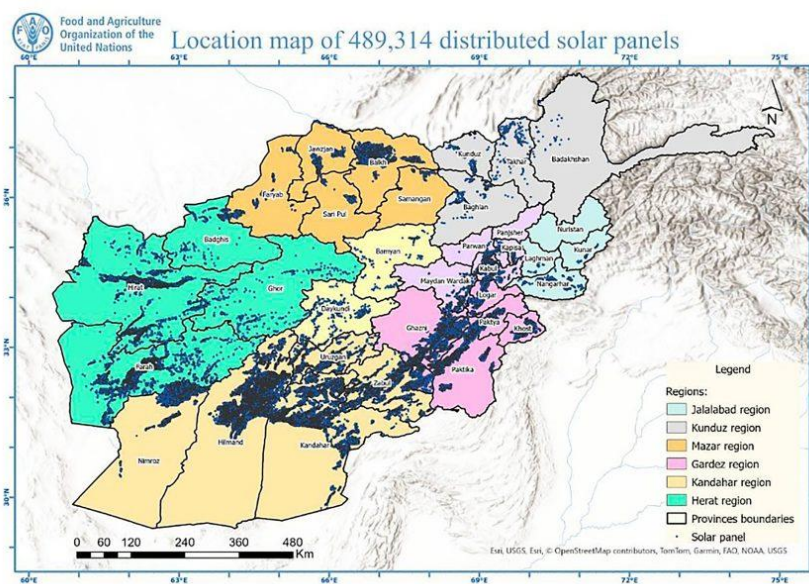
پس از سال ۲۰۲۱، امارت اسلامی چندین پروژه زیربنایی آغاز شده در دوره جمهوری را ادامه داده یا هم به بهره‌برداری رسانید از جمله: سد شاه و عروس، تونل‌های انحرافی سد بخش‌آباد در فراه، ادامه کار سد پاشدان در هرات، فازم دوم کانال قوش‌تپه برخی پروژه‌های کوچک‌تر مانند کانال شاهی و چند سد دیگر هنوز در حال ساخت‌اند یا بیشتر بر تأمین آب آشامیدنی سالم تمرکز دارند و تأثیر محدودی بر آبیاری و توسعه زراعتی داشته‌اند. احیای سیلوه‌ها و تولید مرغداری، امارت اسلامی تلاش کرده زیرساخت‌های دولتی ذخیره غله جات را دوباره فعال کند، از جمله بازگشایی سیلوه‌های دولتی که سال‌ها غیرفعال بودند. قرار است گندم در فصل برداشت خریداری و بعداً برای تثبیت قیمت‌ها به بازار عرضه شود، هرچند میزان واقعی این برنامه هنوز روشن نیست. مقامات حکومت همچنین اعلام کرده‌اند افغانستان به خودکفایی سریع در تولید مرغ نزدیک شده است: ۸۰ درصد در سال ۲۰۱۹، حدود ۹۹ درصد در سال ۲۰۲۵، به گفته یکی از مقامات وزارت زراعت، افغانستان اکنون در گوشت مرغ تقریباً خودکفا شده، اما هنوز برای تخم‌های مادر و نژادهای تولیدی به واردات وابسته است. امارت همچنین صادرات گوشت گوسفند به آسیای مرکزی را آغاز کرده تا از قاچاق حیوانات زنده جلوگیری و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دامداری تشویق شود.

چالش‌های امارت اسلامی رسیدن به پیشرفت بزرگ در تولید مواد غذایی همچنان دشوار است. امارت اسلامی در توسعه پروژه‌های آبیاری و زراعتی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است، از سال ۲۰۲۱، بیشتر کمک‌های بین‌المللی به دلایل سیاسی بر کمک‌های انسان‌دوستانه متمرکز بوده و بن‌بست سیاسی میان کمک‌کنندگان و امارت ادامه داشته است. امارت منابع محدودی برای توسعه دارد، زیرا بخش بزرگی از بودجه صرف نهادهای امنیتی می‌شود. گزارش اقتصادی بانک جهانی در مارس ۲۰۲۶ نشان می‌دهد، ۴۸ درصد بودجه سال مالی ۲۰۲۵ به ارتش، پلیس و اطلاعات (استخبارات) اختصاص یافته، تنها ۱٫۶ درصد به زراعت داده شده است، با این حال، حکومت فعلی نسبت به گذشته سهم بیشتری از بودجه را به پروژه‌های زیربنایی

اختصاص می‌دهد؛ به‌ویژه پروژه‌های مدیریت آب مانند کانال قوش‌تپه، مالیات‌های زراعتی، امارت اسلامی بلافاصله پس از به‌دست گرفتن قدرت، مالیات‌های زراعتی را دوباره فعال کرد: عشر: مالیات بر حاصل زراعت، ذکات: مالیات بر دارایی، معمولاً بر دامداری، این درآمدها توسط وزارت زراعت جمع‌آوری و به دفتر رهبر امارت تحویل داده می‌شود، نه به بودجه عمومی وزارت مالیه، در بسیاری از کشورهای اسلامی، عشر و زکات بیشتر به‌صورت کمک شخصی و خیریه پرداخت می‌شود، نه مالیات دولتی، هرچند این سیاست شاید بر تولید ملی تأثیر مستقیم نداشته باشد، اما می‌تواند غذایی برخی خانواده‌ها و جوامع را تضعیف کند. بخش بعدی متن به یک مداخله فنی مشخص می‌پردازد: چاه‌های عمیق سولری (خورشیدی)، این فناوری در سال‌های اخیر به‌سرعت در افغانستان گسترش یافته، بدون آن که دولت چه جمهوری و چه امارت کنترل یا مدیریت مؤثری بر آن داشته باشد. نویسنده معتقد است که مداخله بیشتر دولت در این زمینه می‌توانست سودمند باشد.

گسترش زراعت با استفاده از آب‌های زیرزمینی و محدودیت‌های آن

در سال‌های اخیر، چاه‌های عمیق سولری (خورشیدی) که آب زیرزمینی را با هزینه کم استخراج می‌کنند، به‌گونه گسترده در سراسر افغانستان گسترش یافته‌اند. این چاه‌ها به کشاورزان کمک نموده تا با خشکسالی مقابله کرده و زمین‌های بیشتری را زیر کشت آبی رسانی نمایند. هرچند سهم دقیق این چاه‌ها در تولید ملی هنوز به‌صورت منظم اندازه‌گیری نشده، اما تولید حاصل از آن‌ها در آمار رسمی کشور شامل می‌شود.



اداره ملی احصائیه و معلومات (NSIA) در سال ۲۰۲۳ حدود ۳۱۰ هزار حلقه چاه را در سراسر افغانستان ثبت کرد، اما سازمان غذا و زراعت ملل متحد (FAO) در سال ۲۰۲۵ آمار بسیار بالاتری را گزارش کرد: ۴۸۹,۳۱۴ حلقه چاه سولری در ۳۲ استان، این ارقام نشان‌دهنده افزایش بسیار سریع، به‌ویژه در سال ۲۰۲۳، است. **تمرکز چاه‌ها در جنوب و غرب** پراکندگی چاه‌ها بسیار نابرابر است و بیشترین تمرکز آن‌ها در هلمند، قندهار و فراه دیده می‌شود. در این مناطق، چاه‌ها باعث شده‌اند بخش‌های بزرگی از بیابان‌های قبلاً غیرقابل کشت به زمین‌های آبی تبدیل شوند؛ زمین‌هایی که بخش عمده آن‌ها پیش‌تر برای کشت خشک‌خاش استفاده می‌شد. پس از ممنوعیت کشت خشک‌خاش در سال ۲۰۲۲، بسیاری از این زمین‌ها به کشت گندم اختصاص یافتند؛ محصولی که آب بیشتری مصرف می‌کند اما درآمد کمتری نسبت به کوکنار دارد. نقشه‌های مؤسسه AICIS نشان می‌دهد که در هلمند و قندهار، بخش‌های وسیعی از بیابان‌های سابق که ملکیت دولتی محسوب می‌شدند اکنون به زمین‌های زراعتی آبی تبدیل شده‌اند.

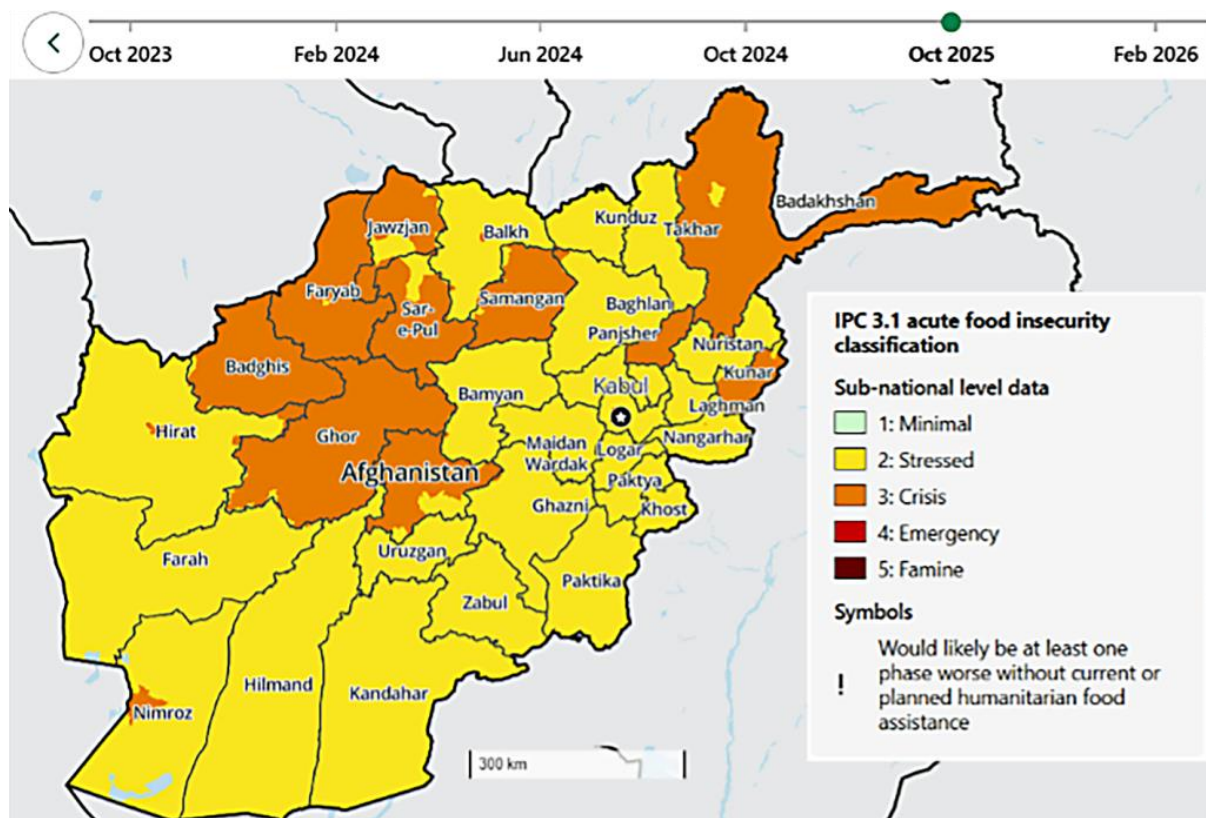
نگرانی درباره پایداری آب‌های زیرزمینی، هرچند این گسترش به رشد زراعت کمک کرده، اما نگرانی‌های جدی درباره پایداری درازمدت آن وجود دارد. اگر آب زیرزمینی سریع‌تر از میزان تجدید طبیعی آن استخراج شود، سطح آب پایین می‌رود و این روش در نهایت به راه‌حلی موقتی و حتی زیان‌بار تبدیل خواهد شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این روند هم‌اکنون نیز آغاز شده است، هرچند آمار ملی جامع هنوز وجود ندارد. در شهرستان واشیر هلمند و منطقه نوآباد فراه گزارش‌هایی منتشر شده که بعضی روستاها به‌دلیل کمبود آب ناشی از حفر چاه‌ها و کاهش بارندگی، تخلیه شده‌اند. در شمال افغانستان نیز چاه‌های عمیق حفر شده‌اند و باعث کاهش تدریجی سطح آب زیرزمینی شده‌اند، هرچند وضعیت آن مناطق هنوز نسبتاً باثبات توصیف می‌شود. **قانون جلوگیری از غصب زمین**، احتمالاً در واکنش به کاهش آب‌های زیرزمینی، امارت اسلامی در سال ۲۰۲۳ قانون جلوگیری از غصب زمین را معرفی کرد. این قانون علاوه بر مناطق شهری، گسترش زراعت در زمین‌های دولتی، به‌ویژه بیابان‌ها، را محدود می‌کند. بر اساس این قانون، کشاورزان که از زمین‌های دولتی استفاده می‌کنند باید اجازه پیردازند؛ در غیر آن ممکن است حق استفاده از زمین را از دست بدهند.

تجارت: واردات و تغییر مسیرهای تجارتي افغانستان برای جبران کمبود تولید داخلی به واردات مواد غذایی وابسته است، به‌ویژه در بخش: گندم و آرد، برنج و روغن خوراکی، در سال ۲۰۲۴، تنها گندم و آرد بخش بزرگی از حجم و ارزش واردات غذایی کشور را تشکیل می‌دادند و وابستگی شدید افغانستان به واردات را نشان می‌دادند و کاهش وابستگی به پاکستان برای دهه‌ها، پاکستان مسیر اصلی واردات غذایی افغانستان بود؛ از جمله: آرد گندم از آسیاب‌های خیبرپختونخوا، برنج از سند و روغن نباتی از طریق بندر کراچی، اما بسته‌شدن مکرر مرزها باعث افزایش فوری قیمت مواد غذایی در بازارهای افغانستان شد و کشور به تدریج به آسیای مرکزی روی آورد.

این تغییر از سال ۲۰۱۵ آغاز شد؛ زمانی که پاکستان از بستن مرزها به‌عنوان ابزار فشار سیاسی استفاده می‌کرد. جنگ اوکراین نیز این روند را سرعت بخشید، زیرا صادرات گندم اوکراین به پاکستان کاهش یافت و بازار منطقه‌ای آرد با کمبود مواجه شد. پس از آن، هند صادرات گندم را متوقف کرد و قیمت‌ها بیشتر افزایش یافت. در نتیجه، تجار پاکستانی در فصل برداشت گندم افغانستان به‌ویژه در استان‌های جنوبی — گندم خریداری کرده و دوباره آن را به پاکستان صادر می‌کردند. در واکنش، امارت اسلامی در ماه می ۲۰۲۲ صادرات گندم را ممنوع کرد تا از کمبود داخلی جلوگیری شود. افغانستان اکنون بیشتر به ازبکستان و قزاقستان برای واردات گندم و آرد وابسته شده است. گذرگاه حیرتان، ترمذ به مرکز اصلی واردات تجارتي و کمک‌های بشری تبدیل شده است. خشکسالی این تغییر را تقویت بخشیده است؛ زیرا استان‌هایی که زمانی مازاد گندم تولید می‌کردند مانند

فاریاب، بادغیس، جوزجان و بلخ اکنون با ناامنی شدید غذایی مواجه هستند. برنامه جهانی غذا و سایر نهادهای سازمان ملل متحد نیز تأسیسات ذخیره‌سازی در ترمذ را گسترش داده‌اند تا انتقال سریع کمک‌ها به مناطق آسیب‌دیده امکان‌پذیر شود. وابستگی جدید افغانستان به آسیای مرکزی با چالش‌های تازه‌ای همراه است، روابط با ازبکستان و قزاقستان تحت تأثیر کانال قوش‌تپه قرار گرفته؛ پروژه‌ای که آب دریای آمو را منحرف می‌کند و نگرانی‌هایی درباره کاهش جریان آب در پایین‌دست ایجاد کرده است. با این حال، در حال حاضر آسیای مرکزی همچنان مهم‌ترین منبع واردات گندم و آرد افغانستان به شمار می‌رود.

تجارت برنج نیز دگرگون شده است، پاکستان سال‌ها کمبود برنج افغانستان را جبران می‌کرد، اما تنش‌های سیاسی و بسته‌شدن مرزها باعث شد برنج هندی به تدریج جای برنج پاکستانی را بگیرد. ایران نقش محدودی در واردات غذایی افغانستان دارد، اما به مسیر مهم ترانزیتی تبدیل شده است؛ به‌ویژه برای برنج هندی که از طریق بندرعباس و چابهار وارد و سپس زمینی به افغانستان منتقل می‌شود. افزایش فاصله ترانزیتی و هزینه حمل‌ونقل باعث بالا رفتن قیمت‌ها شده است. برخی تجار می‌گویند بخشی از برنج پاکستانی اکنون از طریق ایران وارد شده و با نام برنج هندی فروخته می‌شود.



واردات روغن خوراکی نیز از مسیر پاکستان به بنادر ایران و تأمین‌کنندگان آسیای مرکزی منتقل شده که هزینه حمل‌ونقل را بیشتر کرده است. گوشت وارداتی نیز آسیب دیده است؛ گوشت گاومیش پاکستان که زمانی منبع ارزان پروتئین بود، اکنون کمیاب شده و قیمت گوشت در شهرها را افزایش داده است. در مجموع، این تغییرات باعث شده تجارت مواد غذایی افغانستان: پراکنده‌تر، گران‌تر و از نگاه سیاسی آسیب‌پذیرتر شود زنجیره‌ای که زمانی بر یک مسیر اصلی وابسته بود، اکنون میان چند مسیر مختلف تقسیم شده که هرکدام تحت تأثیر فشارهای ژئوپولیتیکی قرار دارند. همزمان با کاهش قدرت خرید مردم، خشکسالی و کاهش تولید داخلی، تغییر مسیرهای تجارتي به بخش اساسی اقتصاد غذایی افغانستان تبدیل شده است.

کمک‌های غذایی بشری، کمک‌های انسان دوستانه که در اصل باید موقتی می‌بودند، اکنون به یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد غذایی افغانستان تبدیل شده‌اند و از خانواده‌هایی حمایت می‌کنند که توان تولید یا خرید غذای کافی را ندارند. پوشش این کمک‌ها در سال‌های اخیر به دلیل کمبود بودجه کاهش یافته است.

Food Item\Year	2021	2022	2023	2024	2025
Corn Soya Blend	-	3,296	592	-	-
High Energy Biscuits	1,523	4,620	7,438	7,192	4,702
Iodised Salt	2,532	7,827	3,817	1,657	1,265
Lipid-based nutrient supplements*	7,038	26,791	25,399	19,670	23,612
Rice	6,869	32,905	3,530	4,479	3,701
Split Peas	42,246	105,648	52,930	25,915	15,405
Vegetable Oil	15,463	72,850	39,661	21,102	13,206
Wheat Flour	209,307	862,079	423,486	207,070	119,229
Wheat Soy Flour	330	-	3,066	2,896	-
Wheat Soya Blend	10,170	28,576	42,097	28,624	12,528
Total food items	295,478	1,144,592	602,016	318,605	193,648

در سال ۲۰۲۲، برنامه جهانی غذا به بیش از ۲۳ میلیون نفر کمک کرد؛ تا سال ۲۰۲۵، پوشش آن به حدود ۴ میلیون نفر، به علاوه نیم میلیون نفر بازگشته، کاهش یافت. این کاهش علیرغم ادامه سطح بالای نیازها رخ داده است، به طوری که بخش‌های بزرگی از کشور به ویژه کمر بند شمالی بارانی، غرب و بخش‌هایی از ارتفاعات مرکزی توسط FEWS NET به عنوان مواجهه با شرایط بحران (IPC 3) یا اضطراری (IPC 4) طبقه‌بندی شده‌اند. تغییرات در ارائه کمک‌ها تأثیرات مستقیمی بر بازارها داشته است. توزیع گسترده گندم در سال ۲۰۲۲ به تعدیل افزایش قیمت‌ها در مناطق روستایی کمک کرد، در حالیکه کمک‌های نقدی از تجار محلی حمایت کرد و از شکاف در تأمین منابع جلوگیری کرد (گزارش سالانه کشوری WFP 2022 افغانستان). کاهش بعدی کمک‌ها تأثیر معکوس داشته است: در مناطقی که توزیع کمک‌های غیرنقدی کاهش یافته است، قیمت گندم و آرد افزایش یافته است، به ویژه در مناطق شمالی و غربی آسیب دیده از خشکسالی (گزارش سالانه کشوری WFP افغانستان).

۲۰۲۳). کمک‌های نقدی، اگرچه در مراکز شهری مؤثر است، اما در مناطق دورافتاده که بازارها ضعیف هستند، تأثیر محدودی داشته است.

پوشش همچنان ناهموار است و برخی از مناطق به طور مزمّن از کمبود خدمات رنج می‌برند. کمربند بارانی شمالی، بادغیس، فاریاب، جوزجان و بخش‌هایی از بلخ و سمنگان با خشکسالی‌های مکرر روبرو بوده و اکنون میزبان تعداد زیادی از بازگشت‌کنندگان است، اما کمک‌ها همچنان نامنظم است. مناطق مرتفع مرکزی (دایکندی، بامیان، غور) به دلیل محدودیت‌های دسترسی، حمایت محدودی دریافت می‌کنند، در حالیکه در شرق، ننگرهار و کنر با وجود افزایش نیازها، شاهد کاهش کمک‌ها بوده‌اند. FEWS NET همچنین گزارش داده است که در برخی از شهرستان‌ها، کمبود کمک، خانوارها را به سمت استراتژی‌های مقابله منفی، از جمله فروش دام‌های در مضیقه و کاهش دفعات وعده‌های غذایی سوق داده است. مناطق شهری مانند کابل و هرات با وجود کاهش قدرت خرید، تنها حمایت محدودی دریافت می‌کنند. در نهایت، کمک‌های غذایی انسان دوستانه نمی‌تواند فشارهای ترکیبی خشکسالی، انقباض اقتصادی، رشد جمعیت و کاهش قدرت خرید را جبران کند. آنچه زمانی نیروی ثبات‌بخش بود، اکنون به افراد کمتری، با دفعات کمتر و با جیره‌های کوچکتر می‌رسد و میلیون‌ها نفر را در معرض ناامنی غذایی فزاینده قرار می‌دهد.

راه پیش رو: گزینه‌های عملی و استراتژیک، چالش امنیت غذایی افغانستان کمتر از کمبود پتانسیل کشاورزی، بلکه بیشتر از محدودیت‌های سیاسی، مالی و زیست‌محیطی کشور شکل گرفته است. در حالیکه افغانستان زمین، منابع آب و تنوع کشاورزی، اکولوژیکی برای افزایش تولید دارد، دهه‌ها جنگ، خشکسالی، زیرساخت‌های ضعیف، نهادهای پراکنده و بحران اقتصادی فعلی، توانایی آن را در تبدیل این دارایی‌ها به تولید مواد غذایی قابل اعتماد محدود کرده است. راه پیش رو در تصور تحول اساسی کشاورزی نیست، بلکه در پیگیری اقدامات عملی برای تثبیت تولید، تقویت تاب‌آوری، بهبود دسترسی به غذا و احیای نهادهای مورد نیاز برای حمایت از برنامه‌ریزی کشاورزی و بازارهای روستایی نهفته است.

در کوتاه‌مدت، تثبیت تولید گندم و در عین حال کاهش مواجهه کشور با شوک‌های ناشی از تغییرات اقلیمی همچنان در اولویت است. گندم اساس رژیم غذایی افغانستان را تشکیل می‌دهد، اما به دلیل وابستگی به کشاورزی دیم در مناطق مستعد خشکسالی، بسیار آسیب‌پذیر است. اقداماتی مانند بهبود مدیریت آب، بازسازی کانال‌های آبیاری و توزیع بذرهای پربازده می‌تواند به کاهش خسارات مرتبط با تغییرات اقلیمی و بهبود درآمد روستایی، به ویژه در مناطق کلیدی تولید گندم آبی مانند قندوز، تخار، هلمند، قندهار و فراه، کمک کند. در همین حال، برخی از مناطق دیم مستعد خشکسالی ممکن است از تغییر تدریجی به سمت محصولات که به آب کمتری نیاز دارند و بازده بالاتری نسبت به گندم دارند، بهره‌مند شوند. در برخی مناطق، چنین تغییراتی در حال انجام است. به عنوان مثال، در استان وردک، اکثر کشاورزان از کشت گندم به باغ‌های زردآلو و سیب که درآمد بیشتری ایجاد می‌کنند، روی آورده‌اند.

آبیاری و مدیریت آب همچنان در چشم‌انداز کشاورزی افغانستان نقش محوری خواهد داشت. بهبود سیستم آبیاری کشور کسری گندم ملی را کاهش می‌دهد، اما با توجه به محدودیت‌های مالی فعلی، گسترش گسترده در آینده قابل پیش‌بینی بعید است. طرح‌های زیرساختی در مقیاس بزرگ، مانند کانال قوش تپه، نه تنها به بودجه، بلکه به ظرفیت فنی، سیستم‌های نگهداری و ثبات سیاسی بلندمدت نیز نیاز دارند. یک راه عملی برای پیشرفت، اولویت دادن به مداخلات آبیاری در مقیاس کوچک و متوسط، مانند بازسازی کانال‌های موجود، گسترش سازه‌های جمع‌آوری آب و بهبود مدیریت آب در مزرعه است. این اقدامات نسبتاً کم‌هزینه هستند، می‌توانند به صورت مرحله‌ای اجرا شوند و احتمالاً مزایای سریع‌تری به همراه خواهند داشت. کاهش ضایعات پس از برداشت همچنین می‌تواند بدون نیاز به افزایش قابل توجه تولید، دسترسی به غذا را بهبود بخشد. سیب‌زمینی، پیاز، میوه‌ها و سبزیجات اغلب در طول دوره برداشت فراوان هستند، اما در اواخر سال به دلیل محدودیت امکانات

سردخانه‌ای و مسیرهای حمل و نقل، کمیاب و گران می‌شوند. گسترش امکانات سردخانه‌ای در مراکز اصلی تولید مانند بامیان، کندز، قندهار، هرات و ننگرهار، بهبود شبکه‌های حمل و نقل و حمایت از فرآوری محلی می‌تواند به کاهش کمبودهای فصلی و تثبیت قیمت‌ها کمک کند. در افغانستان، امنیت غذایی بهتر نه تنها به تولید و زیرساخت‌ها، بلکه به دسترسی به زمین، آب، اشتغال، سرمایه، قدرت خرید و بازارهای قابل اعتماد نیز بستگی دارد. در غیاب آنها، افزایش ذخایر ملی مواد غذایی به تنهایی به معنای دسترسی بهتر خانوارها به غذا نخواهد بود. از این رو، امنیت غذایی به همان اندازه که به تولید بستگی دارد، به توزیع و حکومتداری نیز وابسته است.

کاهش کمک‌های بشردوستانه و ادامه رکود اقتصادی به این معنی است که میلیون‌ها خانوار همچنان در برابر خشکسالی، افزایش قیمت‌ها و سایر شوک‌ها بسیار آسیب‌پذیر هستند. چشم‌انداز امنیت غذایی بیشتر تحت تأثیر محدودیت‌های مالی، نهادی و اقلیمی قرار دارد. در حالی که تولید می‌تواند در درازمدت افزایش یابد، کشور نمی‌تواند زیرساخت‌های مورد نیاز برای پر کردن شکاف غذایی خود را در آینده قابل پیش‌بینی تأمین مالی کند. محدود شدن کمک‌های توسعه‌ای به این معنی است که کشور دیگر به منابع مالی موجود در طول جمهوری دسترسی ندارد و اگرچه امارات به وضوح به کشاورزی و آبیاری علاقه‌مند است، اولویت‌های هزینه‌ای - اختصاص حدود نیمی از بودجه عمومی سالانه به بخش امنیتی - ظرفیت آن را برای اقدام محدود می‌کند. با توجه به شرایط فعلی، یک استراتژی واقع‌بینانه باید دستاوردهای تدریجی را به جای تحول در مقیاس بزرگ در اولویت قرار دهد. تثبیت تولید گندم، بهبود مدیریت آب، کاهش ضایعات پس از برداشت و تقویت سیستم‌های بازار، دست‌یافتنی‌تر هستند و احتمالاً بهبودهای پایداری را در امنیت غذایی به همراه خواهند داشت. این تلاش‌ها باید با حمایت‌های هدفمند کشاورزی، تأمین مالی اقلیمی، همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه تجارت و آب و سرمایه‌گذاری در احیای آبیاری، بذر و خدمات تغذیه‌ای ترکیب شوند. پیشرفت در نهایت به اجرای مداوم مداخلات عملی، هدفمند و با تأثیر بالا بستگی دارد، نه برنامه‌های بزرگ.

منبع: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/economy-development-environment/can-afghanistan-feed-itself-agriculture-trade-and-food-security-under-pressure/>